

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سرما

۰۹ نومبر ۲۰۱۲

خانه خدا یا لانه شیطان

مرنجان و رنج تازه اش

اگر خاک زبان باز کند و قصه کند ، چه بوالعجبی در هر کجا بلند خواهد گشت و چه روهای سپید سیه و سیه سپید بدر خواهد شد. هر چند خیری از عمران و ساختن است و نه ویران شدن و خراب کردن باز دلشوره ای شله و مزاحم بیخ گلیم گیر کرده و تشویش ها را بر فکر و ذهنم جاری ساخته که مبادا این و مبادا آن، اما بهتر آنست که با شما شریکش سازم؛ شاید کسی دیگر نیز قلم گرفته و کندو کاو کند . تپه مرنجان که نامش در این دو- سه دهه اخیر با جنگ های تنظیمی یکجا بود و گوشه ای از آن "شودا" یا شهداء بود و باز پیکر شاه برگشته از خواب غفلت را در خود گرفت و شاهد شادمانی های کودکان با گدی پران های رنگارنگشان نیز بوده است، برای ساختن یک مرکز به کمک عربستان زیر چشم شده است .

عمران مسجد برای کشوری مسلمان مثل افغانستان که یکبار هم کاندید مسجد فیصل بود و بعد مثل همه چیز های فرار داده شده اش به پاکستان رسید، نه کاری درخور نقد منفی است و نه هم قابل تشویش و اما آنچه ما را که در کوره جنگ های آبخورده از همسایگانمان بی خانمان و در بدر ساخته و آبدیده کرده است، جای پای کشور های چون عرب و پاکستانی و ایرانی است که تخم نفاق و شقاق را کاشته و با آبیاری همیشگی بارورش نگهداشته است. مردم افغانستان که متأسفانه مسلمانان سنتی و ساده پندارند زود در دام های گسترده گیر کرده و شکار چنبره زدگان می گردند.

در گوشه ای دیگری از کابل که غرب کابل است و بیشتر کابلیان پابند تشیع در آنجا زیست دارند نیز از همین دست بنای علمیه بنا یافته و شمار زیادی مراجعین دارد. در بحث تعادل و حقوق هردو مذهب تشیع و تسنن که نمی شود بر این کار خرده گرفت، حالا که قرار بر این شده تا ما از موضع اسلام به عنوان یک کشور شدیداً سنتی و مسلمان مطرح گردیم چه بهتر که این اسلام مکتبی، مدرسه ای و جامعه ای باشد، بامنتق لازم و مدلل برای جویندگانش نه این که در کنار مدرسه های پاکستانی و حوزه های ایرانی با هزاران ترفند یا غیرخودی یکریز شیخ و مفتی و

معتصب به افغانستان ارسال شود. داشتن مراکز علمی دینی همچو الازهر مصر، دانشگاه اسلامی بین المللی مالزی، علیگر هند و یا ترکیه می تواند نشانه امید باشد به سوی رسیدن به عقلانیت و باورمندی های اکادمیک و تعریف شده از دنیای اسلام و اما چیزی که آزار دهنده است، کاش این بانی کشوری "بی غرض تری" می بود مثل مالیزی یا ترکیه و هند که "حد اقل اهداف مستقیم" در منطقه از سرنای مذهب و دین در افغانستان نمی داشت. کشور عربستان سعودی با ثروت هنگفتش کمترین سهم را در بازسازی حیف و میل شده افغانستان بعد از طالبان داشته است و هم از سوئی در جمع کشور های همسو و سرجنبان با طالبان بود، هوا و فضای عربستان سعودی با آن شیخ های شکم قطورش فرسنگ ها با مسایل تازه راه یافته حقوق بشر و تساوی مدنی زن و مرد در افغانستان کاملاً تفاوت آسمان تا زمین دارد و ترس و هراس نیز بیجا نیست که گمانه ها را تقویت کند .

در زمان طالبان نماز خوانان که بر شیوه و هابی ایست و خیز می کردند در تمام مسجد های کابل دیده شده بود و در صحبت های سرگوشی مردان خموش شهر، مایه اضطراب و تشویش بود.

سرمایه گذاری های میلیونی از این دست با پول های عربستان لااقل این دلخوشی را می تواند در پی داشته باشد که حتی اگر برای حفظ مسجد بزرگ و قیمتی خود هم شده دیگر از جنگ در افغانستان خبری نباشد، یعنی هر قدر پول این قماش مردم در افغانستان سرمایه گذاری گردد، خوب است و بد نی

اما بر مصداق قدیمی که یا "پالوان" پهلوان باش یا نوکرش هر چه نباشد از مدرسه های انتحار پرور و خرابکار پاکستان که بهتر است و شاید نویدی خوش باشد

هر چند شعر شاملو در گوشه های مغزم ته و بالا می رود که باری هراسش از مردن در سرزمینی بود که مزد گورکن بیشتر از بهای آزادی بود و من نیز نومیدانه هراسم ماندن.

در سرزمینی است که ملا ، طلبه و مسجدش بیشتر از روشنفکر، معلم ، شاگرد و مکتب باشد و دکان های بنجاره به عوض تباشیر سپید برای شاگردان سرمه های سپاه مردانه برای طلبه ها در دکان قطار کند و اگر چنین است فرجامش چه بهتر که این تپه تنها شاهد کاغذ های رنگی پرانی باشد که کودکان چرک روی با بوت های سوراخ و چپک های پلاستیکی با انگشتان بریده به دنبالش بدوند.

سرما

کابل ۱۳۹۱ عقرب